

## مجلس دوم

### جلوه‌هایی از سنت‌های الهی در نهضت عاشورا

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین عبدالحمیدی\*

#### درآمد

در طول تاریخ بشری، همواره سنت‌های ثابت و همیشگی یا قوانین دائمی و بدون تغییری وجود داشته و دارند که هر یک به گونه‌ای همسو با حکمت خداوندی تحقق می‌یابند. در قرآن کریم به شماری چند از این سنت‌ها اشاره شده که از آن جمله می‌توان به: یاری مؤمنان از سوی حق تعالی، پاداش به نیکوکاران، آزمایش انسان‌ها و عذاب تبه‌کاران اشاره نمود. بدیهی است، شناخت و توجه به این سنت‌ها، نقش بسزایی در رشد و شکوفایی فرد و جامعه ایفا کرده، زمینه دستیابی به کمالات انسانی را فراهم می‌سازند.

در این نوشتار، ضمن اشاره به مفهوم سنت، به انواع سنت‌های الهی در قرآن پرداخته شده و جلوه‌های آنها نیز در نهضت عاشورای حسینی مورد بررسی قرار گرفته است.

#### مفهوم‌شناسی سنت

«سنت» در لغت، به معنای سیره و روش<sup>۱</sup> و در اصطلاح اصول فقه، عبارت

---

\* عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه.

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳۱، ص ۲۲۶.

است از قول، فعل و تقریر معصوم عليه السلام.<sup>۱</sup> «سنت الهی»، یعنی «ضوابطی که در افعال الهی وجود دارد»<sup>۲</sup> یا روش‌هایی که خداوند بر پایه آنها امور عالم و آدم را تدبیر و اداره می‌کند. بنابراین، سنت، یعنی قوانین ثابت و اساسی تکوینی یا تشریحی الهی که هرگز دگرگونی ندارد.<sup>۳</sup> در قرآن کریم، سنت به هر دو معنا استعمال شده است: «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا»؛ هرگز برای سنت خدا تبدیلی نخواهی یافت و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی.»

## انواع سنت‌های الهی

در قرآن کریم، اصل جریان سنت‌های الهی در میان امت‌های گذشته بیان گردیده است؛ چنان‌که فرموده: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»؛<sup>۴</sup> به یقین، پیش از شما سنت‌هایی بوده پس در زمین گردش کنید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.» آیه یادشده، هم بر جریان سنت‌ها و قوانین الهی در تاریخ تأکید دارد و هم بر پژوهش رویدادهای تاریخی به منظور عبرت‌گرفتن از آنها. در ادامه، به بیان مهم‌ترین سنت‌های الهی از نگاه قرآن پرداخته، جلوه‌های آن را در نهضت عاشورا بررسی می‌کنیم.

### ۱. نصرت اهل حق

یکی از سنت‌های الهی، نصرت و یاری اهل حق است که در آیات متعدد

۱. احمد فتح‌الله، معجم ألفاظ الفقه الجعفری، ص ۲۳۷.

۲. محمد قلجی، معجم لغة الفقهاء، ص ۲۵۰.

۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۳۱.

۴. فاطر، آیه ۴۳.

۵. آل‌عمران، آیه ۱۳۷.

به آن تصریح شده است؛ یعنی خداوند یاری رهبران و مؤمنان صابر را بر خود لازم دانسته است. اینکه مکتب پیامبران الهی در طول تاریخ همواره رو به رشد بوده و خط مخالفان آنان همواره رو به زوال، به خوبی این حقیقت را نشان می‌دهد؛ «وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ آتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ؛<sup>۱</sup> و همانا پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند؛ ولی در برابر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند، صبر کردند تا یاری ما به آنان رسید. [تو نیز چنین باش؛ زیرا] برای کلمات [و سنت‌های] خداوند، تغییردهنده‌ای نیست. قطعاً از اخبار پیامبران برای تو آمده است.»

«کلمات»، به معنای سنت‌های الهی است؛ چنان‌که در برخی آیات دیگر نیز کلمات به همین معنا بکار رفته است؛ «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ؛<sup>۲</sup> بی‌شک، فرمان ما برای بندگانمان که به رسالت فرستاده شده‌اند، از پیش معین شده است. همانا ایشان‌اند که پیروزند و همانا سپاه ماست که پیروز است.»

نویسنده تفسیر نور در توضیح این آیه می‌نویسد: یکی از وعده‌ها و سنت‌های الهی، نصرت و دفاع از مؤمنان است؛ «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ.»<sup>۳</sup> البته برخی با توجه به آیه «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» معتقدند: معنای دفاع و یاری الهی، همیشه دفاع و نصرت فوری و کوتاه‌مدت نیست؛ بلکه دفاع درازمدت را نیز شامل می‌شود؛ زیرا در آیات دیگر می‌فرماید: «وَالْعَاقِبَةُ

۱. انعام، آیه ۳۴.

۲. صافات، آیه ۱۷۱ - ۱۷۳.

۳. روم، آیه ۴۷.

لِلْمُتَّقِينَ»<sup>۱</sup> آری، ممکن است در یک درگیری و جنگ، مؤمنان به ظاهر شکست بخورند؛ ولی اهداف و تفکر آنان پیروز شود؛ «وَلَيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»<sup>۲</sup> و قطعاً خداوند کسی که [دین] او را یاری کند، یاری می‌دهد. همانا خداوند نیرومند و شکست‌ناپذیر است.»

در نهضت عاشورا، این سنّت الهی تحقق یافت؛ یعنی با وجود اینکه تعداد سپاه امام حسین علیه السلام نسبت به سپاه یزید بسیار اندک بود، اما حضرت به اهداف بلند خود دست یافت. پس از شهادت امام حسین علیه السلام وقتی که ابراهیم بن طلحة بن عبیدالله، خطاب به امام سجاد علیه السلام گفت: «يا عَلِيُّ بْنَ الْحُسَيْنِ مَنْ غَلَبَ؟» ای علی بن حسین! چه کسی [در این مبارزه] پیروز شد؟»، امام علیه السلام فرمود: «إِذَا أُرِدْتَ أَنْ تَعْلَمَ مَنْ غَلَبَ وَدَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ فَادِّنْ ثُمَّ اقِمِ»<sup>۳</sup> اگر می‌خواهی بدانی چه کسی [یزید یا امام حسین علیه السلام] پیروز شده است، هنگامی که وقت نماز فراسید، اذان و اقامه بگو [آن‌گاه بین چه کسانی ماندند و چه کسانی رفتند].»

امام علیه السلام با این پاسخ به او فهماند که هدف یزید، محو اسلام و نام رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؛ ولی همچنان ظنین «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بر مأذنه‌ها می‌پیچد و مسلمانان در همه جا، حتی در شام و پایتخت سلطنت یزید، به یگانگی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله گواهی می‌دهند.<sup>۴</sup>

امام حسین علیه السلام نیز از شهادت و تحقق هدف الهی، به‌عنوان پیروزی یاد نمود: «هرکه به من بیوندد، شهید می‌شود؛ اما اگر نیوندد، به فتح و پیروزی نمی‌رسد.»<sup>۵</sup>

۱. اعراف، آیه ۱۲۸.

۲. حج، آیه ۴.

۳. شیخ طوسی، الأمالی، ص ۶۷۷.

۴. مهدی رستم‌نژاد و سعید داودی، عاشورا؛ ریشه‌ها و انگیزه‌ها، ص ۶۵۹.

۵. محمد مهدی آصفی، فی رحاب عاشورا، ج ۲، ص ۳۱۵.

عبّاس محمود عقّاد نیز می‌نویسد:

«یزید را در داستان کربلا برنده مطلق و کامیاب و پیروزمند بر حریف خویش می‌بینیم و حسین را در آن روز، برعکس، مغلوب و شکسته‌خورده می‌نگریم؛ ولی پس از مدّت کوتاهی علایم و نشانه‌ها با وضع شگفت‌آمیزی جابه‌جا می‌شود و در کفه‌های سنجش، دگرگونی حیرت‌آوری پدیدار می‌گردد؛ تا آنجا که کفه زیرین، بر فراز آسمان می‌رود و کفه فرازمند، به زمین فرود می‌آید و شگفتا که این حقیقت به قدری روشن و آشکار است که جای هیچ سخنی را در تشخیص کفه‌های سود و زیان، برای هیچ نظاره‌گری باقی نمی‌گذارد.»<sup>۱</sup>

تاریخ به‌خوبی گواهی می‌دهد که بعد از قیام عاشورا، امویان مشروعیت خود را از دست دادند و کمتر از چهار سال حاکمیت، پرونده بنی‌امیه برای همیشه بسته شد. محمود عقّاد در فرازی دیگر می‌نویسد: «دستاورد یکی از روزهای دولت بنی‌امیه (فاجعه روز عاشورا)، این شد که کشوری با آن وسعت و پهناوری، به اندازه عمر طبیعی یک انسان نپایید و از چنگشان بیرون رفت.»<sup>۲</sup>

آیت‌الله آصفی نیز می‌نویسد: چنین جنبشی با این درجه از اصالت و ژرفا و توانمندی، باید بر جبهه مخالف به سرکردگی امویان پیروز شود. پیروزی، به معنای موفقیت نظامی در همه وقت نیست؛ بلکه پیروزی جبهه حق بر جبهه باطل است. در این نبرد میدانی و فرهنگی، موفقیت از آن جبهه حسینی است که جبهه انبیا و اوصیا و صلحاست و خدا، ضامن پیروزی آنان است؛ اما طاغیان و ستمگران، شکست‌خوردگان این نبردند.<sup>۳</sup>

۱. عبّاس محمود عقّاد، ابوالشهداء، ترجمه محمدکاظم معزی، ص ۲۱۲.

۲. همان، با اندکی تصرّف.

۳. محمد مهدی آصفی، فی رحاب عاشورا، ج ۱، ص ۲۹۲.

## ۲. پاداش به نیکوکاران

یکی از سنت‌های خداوند این است که پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. این حقیقت، در آیات متعدد آمده است: «أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ؛<sup>۱</sup> همانا خداوند پاداش ایمان‌آوردگان را ضایع نمی‌سازد.» و یا فرموده: «وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛<sup>۲</sup> صبر کن که به تحقیق خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.»

همان‌گونه‌که از اطلاق آیات استفاده می‌شود، پاداش الهی فراتر از پاداش‌های دنیوی است. در اینجا به برخی پاداش‌های فداکاری اباعبدالله علیه السلام که در دنیا به او عنایت شده، اشاره می‌کنیم:

### - بوی خوش تربت حسینی:

برخی افراد، از تربت امام حسین علیه السلام بویی خوش استشمام می‌کردند؛ برای نمونه، پس از آنکه بر قبر حسین بن علی علیه السلام آب بستند تا مکان آن معلوم نباشد و بعد از چهل روز آب فرونشست، عربی بیابان‌نشین به قتلگاه کربلا رفت و درحالی‌که خاک‌ها را مشت‌مشت برداشته و می‌بوید، به کنار قبر حضرت رسید و گریست و گفت: پدر و مادرم به فدایت، چه قدر خوش‌بویی و چه قدر خوش‌بوست تربت تو! و بعد این شعر را خواند:

أَرَادُوا لِيُخْفُوا قَبْرَهُ عَنْ عَدَاوَةٍ      فَطِيبَ تُرَابِ الْقَبْرِ دَلَّ عَلَى الْقَبْرِ<sup>۳</sup>

۱. آل عمران، آیه ۱۷۱.

۲. هود، آیه ۱۱۵.

۳. ابن‌کثیر دمشقی، البداية والنهاية، ج ۸، ص ۲۲۲: «خواستند از روی دشمنی، قبرش را مخفی کنند؛ اما بوی خاک قبرش نشانه آن شد.»

### - شفادهی تربت حسینی:

خاصیت شفادهی تربت قبر امام حسین علیه السلام، یکی از ویژگی‌ها و امتیازاتی است که خداوند به آن حضرت عطا نموده است.

فردی به نام «سالم» نقل می‌کند: مبتلا به دل‌درد شده بودم و معالجات اثربخش نبود. روزی به زنی از اهالی کوفه، به نام «سَلَمَه» برخوردیم؛ گفت: ای سالم! می‌خواهی تو را به اذن الهی درمان کنم؟ گفتم: بالاترین خواسته‌ام، همین است. او قدهج آبی به من داد، نوشیدم و دردم ساکت شد. پس از گذشت چند ماه، از آن زن پرسیدم: مرا با چه چیزی علاج کردی؟ پاسخ داد: به دانه‌ای از این تسبیح! پرسیدم: این تسبیح از چیست؟ گفت: از خاک قبر حسین علیه السلام. گفتم: ای رافضیه! مرا با این مداوا کردی؟ با این سخن، آن زن غضبناک برخاست و خارج شد و درد شکم، بدتر از پیش، بر من مستولی گشت.<sup>۱</sup>

### - اجابت دعا زیر بقعه امام حسین علیه السلام:

مرحوم سید بن طاووس می‌نویسد: شیخ فقیه زاهد عارف، احمد بن فهد حلی روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام مریض شد و امر فرمود کسی را اجیر کنند برای آن جناب نزد قبر حسین علیه السلام دعا کند. پس، کسی را یافتند و به او گفتند. گفت: می‌روم، ولی حسین علیه السلام امام واجب الطاعة است و امام صادق علیه السلام نیز امام واجب الطاعة است. پس، به سوی امام صادق علیه السلام برگشتند و حضرت را به کلام آن شخص خبر دادند. آن حضرت در جواب فرمود: امر، چنان است که آن شخص گفته؛ ولی ندانسته که خدای تعالی را بقعه‌هایی چند است که دعا در آنها مستجاب می‌شود و آن بقعه که قبر حسین علیه السلام باشد، از آن بقعه‌هاست.<sup>۲</sup>

۱. شیخ طوسی، الامالی، ص ۳۱۹.

۲. ابوالفضل تهرانی، شفاء الصدور، ص ۲۹۲.

## ۳. آزمایش انسان‌ها

از سنت‌های الهی که در آیات متعدد به آن تصریح شده، سنت آزمایش است. اساساً جهان، صحنه آزمایش الهی است؛ «وَلْتَبْلُوْا نَفْسَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛ قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و [نیز] کمبود میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت‌کنندگان.» و یا فرموده: «... حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ؛<sup>۲</sup> [ما همه شما را قطعاً آزمایش می‌کنیم] تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما کیان‌اند؟»

خداوند در آیه دیگر، فلسفه خلقت را آزمایش انسان‌ها می‌داند: «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛<sup>۳</sup> پُربرکت و زوال‌ناپذیر است کسی که حکومت جهان هستی به دست اوست و او بر هر چیز تواناست.»

از این آیات استفاده می‌شود که آزمایش الهی، قانونی کلی و سنتی دایمی است و خداوند بندگان خویش را برای شکوفایی استعدادهای نهفته و پرورش آنان می‌آزماید. در واقع، امتحان خدا به کار باغبانی پُر تجربه شبیه است که دانه‌های مستعد را در سرزمین‌های آماده می‌پاشد. این دانه‌ها به وسیله مواهب طبیعی شروع به رشد می‌کنند و به تدریج با مشکلات می‌جنگند و در برابر طوفان‌های سخت و سرمای کشنده و گرمای سوزان، ایستادگی به خرج می‌دهند تا شاخه گلی زیبا یا درختی تنومند و پُرثمر به بار آید.

۱. بقره، آیه ۱۵۶.

۲. محمد، آیه ۳۱.

۳. ملک، آیه ۱-۲.



نهضت عاشورا، جلوه‌گاهی برای بروز این سنت الهی است. نهضت عاشورا، زمینه‌ای پدید آورد تا همگان امتحان و غربال شوند. در یک طرف، فرزند رسول خدا ﷺ با عده‌ای از پارسایان روزگار با اهداف الهی قرار دارند و در طرف دیگر، یک حاکم فاسد با عده‌ای از جنایتکاران با اهداف شوم مادی که به طور آشکار فسق می‌کنند. جبهه حق، کاملاً از جبهه باطل قابل تشخیص بود؛ اما با این حال، عده بسیاری از مسلمانان در جبهه باطل قرار گرفتند و فرزند پیامبر را به شهادت رساندند و اهل بیتشان را به اسارت بردند؛ البته عده‌ای نیز از این آزمون بزرگ، سربلند بیرون آمدند. اینان کسانی بودند که تا آخرین قطره خون و نفس خویش با امام بودند؛ کسانی که امام حسین علیه السلام آنان را بهترین و باوفاترین یاران خواند.<sup>۱</sup>

#### ۴. کیفر تبهکاران

از سنت‌های الهی، کیفر تبهکاران و ستمگران است. از جمله حکمت‌های این مطلب که خداوند انسان را امر نموده در زمین سیر کند و از سرنوشت پیشینیان عبرت گیرد، همین امر است. اگر انسان تاریخ را مرور کند، باور خواهد کرد که دنیا توسط مدیری توانا، حکیم و عادل اداره می‌شود؛ «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»<sup>۲</sup> بگو: روی زمین گردش کنید. سپس، بنگرید سرانجام تکذیب‌کنندگان [آیات الهی] چه شد؟» همچنین، می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ»<sup>۳</sup> بگو: در روی زمین سیر کنید. پس، ببینید عاقبت کار گنهکاران به کجا رسید؟»

۱. ابن‌نما، مشیر الأحرار، ص ۵۲.

۲. انعام، آیه ۱۱.

۳. نمل، آیه ۶۹.

شکی نیست که تأثیر مشاهده آثار گذشتگان و اقوامی که بر اثر پشت پا زدن به حقایق، راه فنا و نابودی را پیمودند، بسیار بیشتر از مطالعه تاریخ آنها در کتاب‌هاست؛ زیرا این آثار، حقیقت را قابل لمس می‌سازد.

علامه طباطبایی رحمته الله در این باره می‌نویسد: اینکه امر فرموده در زمین سیر کنند، برای این است که از سرگذشت امت‌های گذشته عبرت بگیرند و سرانجام پادشاهان و فراعنه طاعی را ببینند که چگونه قصرهای رفیعشان به دردشان نخورد... و چیزی به جز سرگذشتی که مایه عبرت باشد، باقی نماند.<sup>۱</sup>

سرنوشت شوم قاتلان سیدالشهداء علیهم السلام نیز این حقیقت را نشان می‌دهد که خداوند متعال نسبت به ظلمی که به بندگان مخلص خود می‌شود، بی تفاوت نیست و انتقام خون آنان را خواهد گرفت و این، یک سنت الهی است. از سوی دیگر، سرنوشت ستمگران عاشورا، مایه عبرت برای دیگران است. در ادامه، به برخی از کیفیتهای الهی که دشمنان امام حسین علیهم السلام در دنیا به آن دچار شدند، اشاره می‌کنیم.

#### - ابتلا به بیماری‌ها:

از برخی روایات برمی‌آید که تمامی کسانی که در قتل یا در جنگ با امام حسین علیهم السلام همکاری کردند، به بیماری‌هایی همچون: جنون، جذام، برص (پستی) مبتلا شدند؛<sup>۲</sup> مثلاً جابر بن زید اُزدی (غارتگر عمامهٔ حضرت)، به محض بر سر نهادن آن، گرفتار جنون شد.

غارتگر لباس حضرت نیز با پوشیدن آن، گرفتار برص شد و چهره‌اش متغیر گشته و موهایش ریخت<sup>۳</sup> و یا از دستان اُبَجرین کعب پس از غارت لباس

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۳۸۸.

۲. ر.ک: ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۳۱.

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۶۵.

حضرت، در زمستان‌ها خونابه می‌ریخت و هنگام تابستان، دست‌هایش همچون چوب خشک می‌شد.<sup>۱</sup>

کسانی که در جریان منع آب نقش مستقیم داشتند یا زبان به شماتت گشوده بودند، با نفرین امام، گرفتار مرض استسقا (تشنگی) شدند؛ چنان‌که در روز عاشورا، مردی از سپاه عمر سعد خطاب به امام گفت: «ای حسین! آیا این آب را نمی‌بینی که [گویا در صفا و زلالی] چون صفحه آسمان است؟ به خدا از آن، قطره‌ای نمی‌چشی تا در حال تشنگی بمیری.» امام حسین فرمود: «بارخدا! او را تشنه‌کام بمیران و هرگز او را نیامرزا!» یکی از دوستانش می‌گوید: او پس از واقعه عاشورا، بیمار شد و من به عیادتش رفتم. به خدایی که جز او خدایی نیست، او را دیدم آب می‌خورد؛ اما سیر نمی‌شد. سپس، آن راقی می‌کرد. دوباره آب می‌خورد، ولی سیراب نمی‌شد و این، کارش بود تا زمانی که جان داد.<sup>۲</sup>

دوباره عمرو بن حجاج (از یاران عمر سعد) نیز نقل شده که بانگ برآورد: «ای حسین! اینک آب فرات است که [حیوانات پستی چون] سگان بدان زبان می‌زنند و خوگ‌ها و درازگوشان از آن می‌آشامند؛ اما قطره‌ای بهره‌تو نخواهد گشت؛ تا اینکه حمیم جهتم را بیاشامی.» [امام حسین علیه السلام] بر آنها نفرین کرد که در حال عطش بمیرند و او (عمرو بن حجاج) نیز از شدت عطش هلاک شد.<sup>۳</sup>

دوباره مردی از قبیله اَبان بن دارم نیز نقل شده که تیری به فک مبارک امام زد و امام خون‌ها را به آسمان می‌پاشید و می‌فرمود: «این گونه.»<sup>۴</sup> این مرد با نفرین حضرت، مبتلا به مرضی شد که بر اثر آن، در شکمش احساس حرارت شدید و

۱. همان، ص ۶۴.

۲. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۸۷.

۳. ابن‌کثیر، البدایة والنهایة، ج ۸، ص ۱۸۹.

۴. گویا مراد حضرت این بوده که: این‌گونه با خدا ملاقات خواهم کرد.

در پشتش، احساس سرمای شدید می‌کرد و در مقابلش، یخ و پشت سرش، آتش می‌نهادند و از شدت عطش، کاسه‌های بزرگ پُر از آب سر می‌کشید؛ ولی سیراب نمی‌شد و بدین وضع بود تا شکمش پاره شد.<sup>۱</sup>

برخی نیز گرفتار قطع یا نقص عضو شدند؛ مثلاً نقل شده: فردی که خبر شهادت امام را به عنوان بشارت برای مردم آورد، پس از مدتی کوتاه، نابینا گشت و دست او را گرفته، این سو و آن سو می‌بردند.<sup>۲</sup> سنان بن آنس نیز گرفتار جنون و لالی شد. وی پس از آنکه با افتخار در برابر حجاج بن یوسف خود را قاتل حسین علیه السلام معرفی کرد و حجاج نیز این کار را «امتحانی نیکو» قلمداد کرد، به خانه‌اش رفت و گرفتار جنون و لالی شد.<sup>۳</sup>

#### - آتش دنیوی و رؤیای آشفته:

گونه‌ای دیگر از عقوبت‌های دنیوی جنایتکاران صحنهٔ عاشورا، این بود که خداوند پیش از گرفتاری آنان به عذاب آتش اخروی، از عذاب آتش دنیا به آنان چشاند. در امالی شیخ طوسی آمده است:

در زمان حجاج بن یوسف، گروهی از ما، مخفیانه از کوفه خارج شده و به کربلا رفتیم. از آنجا که محل سکُنایی نداشتیم، اتاقکی گلین در کنار فرات بنا کردیم و در آن سکنا گزیدیم. در این حین، مرد غریبی آمد و گفت: فردی رهگذرم و می‌خواهم امشب مرا در این اتاقک جای دهید. ما نیز چنین کردیم. وقتی خورشید غروب کرد، چراغی را که با نفت می‌سوخت، روشن کردیم و نشستیم و دربارهٔ حسین علیه السلام و مصیبت او و دربارهٔ قاتلانش مشغول صحبت

۱. ابن‌نما، مشیر الأحرار، ص ۷۱؛ ابن‌کثیر، البداية والنهاية، ج ۸، ص ۲۱۴.

۲. ابن‌عساکر، ترجمة الامام الحسين من تاريخ مدينة دمشق، ص ۲۴۳، ح ۲۹۴.

۳. همان، ص ۲۵۰، ح ۳۱۰.

شدیم. سخن به اینجا رسید که خداوند هر یک از قاتلان او را به یک بلیه و بیماری در جسمش مبتلا ساخته است. در این هنگام، آن مرد گفت: من نیز جزء قاتلان حسین بودم. به خدا قسم! تاکنون هیچ بدی و بیماری متوجه من نشده است. بنابراین، سخن شما دروغ است. ما سکوت کرده، دیگر چیزی نگفتیم. در این هنگام، شعله چراغ ضعیف شد و آن مرد برخاست تا فتیله آن را با دستش اصلاح کند. ناگاه آتش، کف دستش را فرا گرفت، او برخاست و دوان‌دوان خود را درون آب فرات انداخت؛ اما آتش، سطح آب را احاطه کرد و او دائماً سرش را داخل آب می‌کرد تا از آتش روی آب مصون بماند و چون سر بر می‌آورد، سرش می‌سوخت و مجبور بود دوباره سر در آب کند. این وضع آن قدر تکرار شد تا به هلاکت رسید.<sup>۱</sup>

مرتکبان سنگدل جنایات کربلا، بر اثر جنایات فجیعی که مرتکب شدند، به جز عقوبت‌هایی که گفته شد، در عالم خواب و استراحت نیز گرفتار کابوس‌های وحشتناکی می‌شدند که به منزله هشدار و نسبت به وضعیت دهشتناک آنان پس از مرگ بود؛ از جمله، روایت عبدالله بن زباح قاضی است. هنگامی که وی، سبب کوری فردی نابینا را از او پرسید، آن شخص چنین پاسخ داد:

من دهمین نفری بودم که در قتل حسین سهیم شدم؛ ولی شخصاً نیزه و شمشیر و تیری به او نزددم. پس از قتل حسین، به خانه رفتم و پس از نماز عشا خوابیدم. در عالم رؤیا دیدم کسی نزدم آمد و گفت: نزد رسول خدا بیا! گفتم: مرا با رسول خدا چه کار؟ ولی آن شخص گریبانم را گرفت و به صحرائی برد که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نقطه‌ای از آن نشسته و آستین‌ها را بالا زده بود و نیزه‌ای در دست داشت و فرشته‌ای نیز در مقابلش ایستاده و شمشیری از آتش در دست او بود. او تمامی نه نفر همراهان مرا با ضربتی از آتش کشت. با دیدن این صحنه،

۱. شیخ طوسی، الامالی، ص ۱۶۳.

من در برابر رسول خدا زانو زدم و سلام کردم. حضرت پاسخی نداد و پس از مکئی طویل، فرمود: «ای دشمن خدا! حرمتم را هتک کردی و عترتم را کشتی و حق مرا پاس نداشتی!» عرض کردم: ای رسول خدا! من شمشیر و نیزه و تیری نزدَم. فرمود: «ولی سیاهی لشکر بودی؛ نزدیک بیا!» چون نزدیک رفتم، طشت پرخونی را دیدم که در برابرش بود و فرمود: «خونِ حسین است.» از آن بر چشمانم مالید. ناگاه از خواب پریدم و خود را نابینا یافتم.<sup>۱</sup>

### - کوتاهی عمر و ناکامی در دنیا:

گزارش‌های متعدد، گویای آن است که قاتلان یا شرکت‌کنندگان در قتل امام حسین علیه‌السلام، پس از این جنایت، بهره‌چندانی از عمر خود نبردند. درباره عمر بن سعد نقل شده: هنگامی که امام حسین علیه‌السلام به وی فرمود: «مایه روشنی دیده‌ام آن است که تو پس از من، از گندم عراق، زیاد نخواهی خورد»،<sup>۲</sup> وی با کمال جسارت و با حال استهزا پاسخ داد: «ما را جو کافی است!»<sup>۳</sup> اما حوادث پس از عاشورا، درستی پیشگویی امام علیه‌السلام را روشن ساخت؛ زیرا عمر بن سعد، پیش از آنکه به آرزویش، یعنی حکومت ری، دست یابد، پس از سالیانی اندک، به دستور مختار ثقفی، به هلاکت رسید.<sup>۴</sup>

غارتگران حرم حسینی نیز بدون بهره‌مندی از اموال غارت‌شده، سرانجام به فقر دچار گردیدند؛ به‌عنوان نمونه، درباره مالک بن بسیر کِنْدِی نقل شده که وی روز عاشورا، پس از غلبه ضعف بر امام، شمشیری بر سر حضرت فرود آورد و بر

۱. ابن‌شهر آشوب، مناقب آل‌ای طالب علیهم‌السلام، ج ۴، ص ۶۶؛ ابن‌نما، مثير الأحزان، ص ۸۰.

۲. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۳۲.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۰۰.

۴. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۶، ص ۶۰.

اثر این ضربه، کلاه حضرت از سرش افتاد، او آن را برداشت و پس از آن، مشمول نفرین حضرت گشت که به او فرمود: «خوردن و آشامیدن بر تو گوارا مباد و خداوند با ظالمان محشورت گرداند.» وی، کلاه غنیمتی را نزد همسرش برد؛ ولی با اعتراض او مواجه گشت که: «آیا لباس غارت‌شده حسین را به خانه‌ام می‌آوری؟ از این پس، من و تو زیر یک سقف نخواهیم بود.» و آن مرد پس از آن، تا آخر عمر، همواره در حال فقر و نداری به سر می‌برد.<sup>۱</sup>

---

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۰۲.